

بازخورد رهیافت‌های بزه‌دیده‌شناسی ثانویه در نظام کیفری ایران

یزدان فلاحی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

شهرام محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۲

محمدجواد جعفری^۳

چکیده

هدف سیاست جنایی مشارکتی واکنشی یا ثانویه، دخالت دادن مردم و نهادهای غیردولتی در فرایند کیفری، پس از وقوع جرم است. بزه‌دیده‌شناسی ثانویه ضمن مطالعه جایگاه بزه‌دیده در فرایند کیفری، او را شایسته حمایت انگاشته و حمایت از او را، درگرو رفتار منصفانه جهت دسترسی به عدالت می‌داند. حساسیت موضوع حمایت از بزه‌دیده و ارتباط تنگاتنگ آن با فرایند کیفری، ضرورت توجه به نقش و جایگاه بزه‌دیده در این فرایند و تحقق سیاست حمایت از بزه‌دیده را نمایان می‌سازد. چرا که ارتکاب جرم و رخداد بزه دیدگی در واقع منجر به مراجعه بزه‌دیده به دستگاه عدالت کیفری می‌شود و بدین‌سان، بزه‌دیده به‌عنوان دیگر کنشگر اصلی پدیده مجرمانه وارد فرایند کیفری می‌گردد. از این رو این پرسش اساسی مطرح می‌گردد که توجه به نقش و جایگاه بزه‌دیده تأثیراتی بر حقوق بزه‌دیدگی ثانویه در نظام کیفری ایران داشته است. در پاسخ فرضیه پژوهش بر این موضوع تأکید داشته است که توجه به نقش و جایگاه بزه‌دیده می‌تواند موجبات پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی قربانیان جرم را فراهم سازد. در ایران به دلیل تقسیم‌بندی جرایم به قابل گذشت و غیر قابل گذشت، بسترهای مناسب‌تری برای دخالت بزه‌دیده در تعیین و نحوه اجرای مجازات مشاهده می‌شود. هر چند مشارکت بزه‌دیدگان در تعیین و نحوه اجرای مجازات در مواردی مثل قصاص، ممکن است منجر به تشفی خاطر آنان شود.

کلیدواژگان: بزه‌دیده‌شناسی ثانویه، نظام کیفری ایران، بزه‌دیده، عدالت کیفری، مشارکت مدنی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول). sh.mohammadi@uok.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. Dr.jafari14@gmail.com

بزه دیده‌شناسی به دنبال یافتن روش‌هایی در جهت ارتقای حقوق بزه‌دیدگان است و به ویژه بر مشارکت بزه‌دیدگان در فرآیند عدالت کیفری تأکید می‌شود. در پی ناکارآمدی سیستم عدالت کیفری سنتی و دیدگاه‌های سزادهنده و بازپرورانه در حل مشکلات بزه‌کاری، عدالت ترمیمی با بهره‌گیری از روش‌هایی از قبیل میانجیگری موجب گردیده است، سهامداران پدیده مجرمانه در رفع خصومت و حل مشکل فی مابین حضور فعال داشته و جنبه‌ی حمایت از بزه‌دیده مورد توجه ویژه قرار گیرد. بزه‌دیدگی ثانویه مفهومی است که از یک طرف به بزه‌دیده غیرمستقیم و آنچه در بزه‌دیده‌شناسی ثانویه مطرح می‌شود نزدیک است و از سوی دیگر، به بزه‌دیدگی ناشی از رویه قضایی اطلاق می‌شود. یکی از دیدگاه‌ها درباره‌ی علل بزه‌دیدگی ثانویه، نظریه انتخاب منطقی بزه‌کاران است. مطابق این نظریه، بزه‌کاران آماج‌های بالقوه خود را با حسابگری انتخاب می‌نمایند. یکی از نتایج این نظریه پذیرش این مسئله است که تحلیل منطقی از موقعیت‌ها در مواردی زمینه بزه‌دیدگی مجدد برخی بزه‌دیدگان را فراهم می‌سازد. مشارکت جامعه محلی به عنوان رویکرد نوین مکتب عدالت ترمیمی در تلاش است تا به وسیله اقدامات موجود در سیاست جنایی مشارکتی، راهکار پیشگیرانه اجتماعی را برای بزه‌دیدگی ثانویه تبیین نماید. مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه باعث ترمیم بزه دیده و تغییر وضعیت بزه دیده و بزه کار می‌شود.

هر چند تاریخچه ورود اندیشه‌های جنبش بزه‌دیده‌شناسی ثانویه به گفتمان جرم‌شناسی ایران به بیش از یک دهه پیش بر می‌گردد، ولی این اندیشه‌ها با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ وارد سیاست تقنینی ایران گردید و ساز و کارهای حمایتی متعددی برای کاهش آلام آنان پیش‌بینی گردید. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بر این اندیشه استوار است که جامعه محلی و کل جامعه با مرکزیت نظام عدالت جنایی باید در تمام سطوح سیاست‌گذاری جنایی (تقنینی، قضائی، اجرائی و مشارکتی) توجه به حقوق مادی و معنوی بزه‌دیده را مدنظر قرار دهد و طی تدابیر برنامه‌ریزی شده موقعیت حقوقی بزه‌دیده در فرآیند کیفری مورد توجه قرار گرفته، نیازهای بایسته وی مرتفع گردد.

نیاز به مشارکت در تعیین مجازات و نحوه اجرای آن یکی از نیازهای مهم بزه‌دیدگان است. گاهی و حتی در بسیاری موارد، مهم‌ترین نیاز بزه‌دیدگان، مشارکت در تعیین مجازات و نحوه اجرای آن، عنوان می‌شود. «افزایش تحقیقات مربوط به بزه‌دیدگان، پرسش‌های بزرگتری را درباره هدف اصلی عدالت کیفری و جایگاه بزه‌دیده در آن، مطرح ساخته است. این تحقیقات، آشکار ساخته که عموم مردم، آن گونه که انتظار می‌رفت، خیلی اهل تنبیه و مجازات نبوده و بسیاری از بزه‌دیدگان از پیدا شدن فرصتی برای جبران خسارت یا حتی مصالحه به جای مجازات سنتی، استقبال می‌کنند.» (شیعه علی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸۹).

اینکه بزه‌دیدگی ثانویه به میزان قابل ملاحظه‌ای به افزایش میزان جرائم کمک می‌کند، در دو دهه اخیر مورد شناسایی قرار گرفته است. جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه می‌تواند میزان قابل ملاحظه‌ای از جرائم را پیش‌بینی کند. منابع محدود موجود می‌تواند به صورت مؤثرتری با در نظر گرفتن امکان پیش‌بینی جرم از ناحیه افراد بزه‌دیده به کار گرفته شود. امروزه به نظر می‌رسد اتخاذ رویکرد مشارکت محور در نظام عدالت کیفری نه یک انتخاب بلکه مبدل به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شده است. هدف اصلی نظریه عدالت ترمیمی در مراحل نخستین، حمایت از منافع بزه‌دیده بوده است (نجفی، ۱۳۸۴: ۴).

بنظر می‌رسد رویکرد قانونگذار کیفری ایران به بزه‌دیده‌شناسی ثانویه، رویکردی نوپاست. ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) برای اولین بار، واژه بزه‌دیده را به‌کار برد و یکی از اهداف قانون یادشده را حفظ حقوق بزه‌دیده عنوان نمود. ماده ۱۰ همان قانون در تعریف بزه‌دیده مقرر می‌دارد: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.» (شیری، ۱۳۹۷: ۸۰). اگر شاکی، علاوه بر تعقیب و دستگیری مجرم، به دنبال طرح ادعای ضرر و زیان وارده به خود است، باید در دادسرا، شکایت خصوصی مورد نظر خود را نیز مطرح کند تا به آن نیز رسیدگی شود. هرچند امروز بر نیازهای دیگر بزه‌دیدگان، از جمله نیاز به جبران خسارت، پرداخت غرامت، التیام، حس‌امنیت و نظایر اینها تأکید می‌شود، اما کماکان نیاز اصلی آنان کیفر بزه‌کار و حتی اعطای اختیار درباره نحوه اجرای آن است. بزه‌دیده‌شناسی به دنبال روش‌هایی است که بزه‌دیده را در فرآیند اجرای عدالت ملزم به مشارکت می‌کند. ترس از بزه‌دیدگی دوباره، هراس اخلاقی و گسترش عوام‌گرایی، این نیاز را عملاً به مرکز ثقل خواسته‌های بزه‌دیده تبدیل کرده است. بزه‌دیدگان می‌خواهند همان بلایی که بر سرشان آمده، بر سر بزه‌کار بیاید و او هم موقعیت فعلی خود را از دست بدهد. حتی در شکل‌های افراطی‌تر، گاهی بزه‌دیدگان شخصاً دست به کار می‌شوند و آنچه عدالت می‌داند در حق بزه‌کار اجراء می‌کنند.

در جرایم مستوجب تعزیر، حق بزه‌دیده درباره تخفیف مجازات، آزادی مشروط، تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی، عفو، مرور زمان، مجازات‌های جایگزین حبس، مجازات‌های تبعی و تکمیلی مورد بحث قرار می‌گیرد. تحقیق مربوط به میزان و عواقب سیاست‌گذاری در خصوص بزه‌دیدگی ثانوی، درک این نکته را که چرا این امر واقع می‌شود تحت الشعاع قرار می‌دهد. تکرار یک جرم علیه یک بزه‌دیده می‌تواند به عنوان یک تصمیم منطقی از جانب بزه‌کار باشد. دلایل بزه‌دیدگی ثانوی از نظر عدم تناسب خطر ماقبل جرم اولیه و موقعیت‌های وابسته آن مورد بررسی قرار می‌گیرند، به این صورت که چگونه جرم اولیه، بزه‌دیدگی ثانوی را محتمل‌تر می‌سازد.

۱- بزه‌دیده‌شناسی

۱-۱- تعریف بزه‌دیده‌شناسی

واژه بزه‌دیده‌شناسی در سال ۱۹۴۹ بوسیله یک روان‌پزشک آمریکایی بنام «فردریک ورتهام» وضع شد. او نخستین بار این واژه را در کتاب خود تحت عنوان «نمایش خشونت» بکار برد (قاسمی و مقدم فرد، ۱۳۹۶: ۸۵). بزه‌دیده‌شناسی یا جرم‌شناسی مجنی‌علیه‌شناسی، جدیدترین رشته از جرم‌شناسی واکنش اجتماعی است و به رغم اینکه در بطن دانش جرم‌شناسی متولد شد اما به مرور زمان تبدیل به یک قلمرو مطالعاتی خاص شد. امروزه نیاز جرم‌شناسی به مطالعه قربانیان جرم، ممکن است واضح و آشکار و حتی تا حدودی بدیهی به نظر برسد، اما چنین نیاز آشکاری به مدت بیش از یک قرن از دایره توجه جرم‌شناسان دور بود (الستی و حسن پور، ۱۳۸۵: ۲۶). بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی شاخه از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد؛ بنابراین شناخت بزه‌دیده و آنچه به او مربوط می‌شود موضوع این دانش نوین است. در این دانش شخصیت، صفات زیستی، روانی و اخلاقی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه اش با مجرم مورد بررسی

قرار می‌گیرد (قاسمی و مقدم فرد، ۱۳۹۶: ۸۰). همچنین «بزه دیده شناسی بدون هیچ بحث و تردیدی شاخه ای از جرم شناسی به‌شمار می‌رود، بزه دیده شناسی به هر مسأله ای که مربوط به بزه دیده باشد توجه می‌کند: شخصیت بزه دیده، ویژگی‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اخلاقی او، مشخصه های اجتماعی - فرهنگی اش، روابطش با مجرم و بالاخره مشارکتش در وقوع جرم» از طرف دیگر مندلسون با توسعه مفهوم بزه دیده؛ بزه دیده شناسی را به کیفری که فقط بزه دیدگان جرایم کیفری را مد نظر قرار دارد و بزه دیده شناسی عمومی که به تمامی بزه دیدگان (آسیب دیدگان) مانند بزه دیدگان حوادث، بزه دیدگان جامعه، بزه دیدگان دولت و نهاد های وابسته می‌پردازد تقسیم کرده است. بر این اساس بزه‌دیده شناسی به دو نوع اولیه و ثانویه قابل تقسیم است.

۲-۱ چستی بزه‌دیدگی ثانویه

این نوع از بزه‌دیده شناسی در اثر تحول و توسعه بزه‌دیده‌شناسی اولیه بوجود آمده است که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزه دیده با ارایه کمک، حمایت های مادی و معنوی و جبران خسارت های وی می‌باشد و انواع مختلف از حمایت ها را در شرایط گوناگون نسبت به بزه دیدگان پیشنهاد می‌کند که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود

- ۱- حمایت از بزه دیدگان بلافاصله پس از تحقق جرم از قبیل حمایت های پزشکی، روانشناختی؛
- ۲- حمایت از بزه دیده در مرحله دادرسی از قبیل تفهیم حقوق و فراهم آوردن نیاز های حقوقی؛
- ۳- از بزه دیده در مرحله تامین ضرر و زیان از قبیل تامین خسارت زیان دیده از منابع حمایت دولتی (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۳)

بزه‌دیده شناسی اولیه^۴ اساساً جنبه نظری داشت و توجه اصلی آن معطوف به ویژگی‌های قربانیان و روابط آنها با بزه‌کاران جرایم بود. به موازات تحولات علمی، شاخه دیگری از بزه‌دیده شناسی بوجود آمد که از آن تحت عنوان جنبش سیاسی و ایدئولوژیک بزه‌دیده شناسی ثانویه یاد می‌شود. بنابراین بزه‌دیده شناسی که ابتدا رویکردی علمی و علت‌شناسانه به بزه‌دیده داشت به یک جنبش اجتماعی حامی بزه‌دیدگان و دفاع از آنان تبدیل شد. نگرانی از حقوق و آینده بزه‌دیدگان، در ابتدا بصورت برنامه‌های جزئی دولت در راستای جبران خسارت از بزه‌دیدگان جرایم پدیدار گشت. احیای مجدد حمایت از حقوق بزه دیدگان توسط جنبش «فمینیسم» بود، جنبشی که از بزه دیدگان جرایم هتک ناموس به عنف و تجاوز جنسی به شدت حمایت کرد و مطالعات بزه دیده شناسانه، بزه دیدگان و نقش و سهم آنان در ارتکاب این جرایم را مردگرایانه و مذکرمدار تلقی کردند. هم‌اکنون، پژوهشگران فمینیست قتل های ارتكابی از سوی مردان را به منزله پاسخی به بد رفتارهای بلندمدت این یاران قدیمی مطالعه می‌کنند. پشتیبانان بزه دیده، این نگرش ها را به منزله دلیلی برای دفاع از مردان مرتکب بکار می‌برند (بیژنی میرزا و شاملو، ۱۳۹۶: ۱۶)

^۴- بزه‌دیده‌شناسی اولیه، به مطالعه ویژگی‌ها و نقش بزه دیده در تکوین جرم و نیز رابطه قربانی جرم با مجرم می‌پردازد و در حقیقت بزه دیده‌شناسی اولیه شاخه ای از جرم شناسی علت شناسانه است که در آن نقش بزه دیده در وقوع جرم و بعنوان یکی از علل و عوامل ارتکاب جرم از سوی بزه کاره بررسی و در کنار سایر علل و عوامل جرم زا قرار می‌گیرد (بیژنی میرزا و شاملو، ۱۳۹۶: ۱۶). الگوی تحقیقی این جریان بزه دیده شناسانه از مسائل مربوط به علت شناسی جرم و نقش بزه دیده در رخداد های مجرمانه تشکیل می‌شود و به عبارتی بزه دیده شناسی یا قربانی شناسی کیفری به تعامل پویای میان بزه دیده و بزه کار توجه می‌کند (قاسمی و مقدم فرد، ۱۳۹۶: ۸۳).

بدین ترتیب بود که رویکرد علت شناختی به بزه دیده به عنوان یکی از عناصر جرم رفته رفته جای خود را به جنبش حمایت از حقوق بزه دیدگان داد. این جهت گیری حمایتی به تدریج در قوانین داخلی کشور ها و اسناد بین المللی مورد توجه قرار گرفت و در همین راستا بود که مفهوم رفتار منصفانه در مقابل مفهوم دادرسی عادلانه که ناظر به حقوق متهم در فرآیند کیفری است در قطعنامه ۱۹۸۵ سازمان ملل درباره «اصل اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت» مطرح شد. تحولات ایدئولوژی بزه دیده شناسی سبب پیدایش پیمایش های بزه دیدگی نیز شد.

با اهمیت پیدا کردن بزه دیده شناسی در جهان، پیمایش های بین المللی مهمی، افزودن بر پیمایش های ملی در بسیاری از کشورها انجام شد. همچنین انجمن های متعددی به همت خود بزه دیدگان و یا مؤسسات دولتی و یا جنبش های سیاسی، عقیدتی ایجاد شد. از جمله این انجمن ها می توان به انجمن بزه دیدگانی که توسط قربانیان جرایم خاص مانند قربانیان بمب گذاریها و یا والدین اطفال به قتل رسیده اشاره کرد. از دیگر نمونه های انجمن ها می توان، انجمن های قربانیان تجاوز به عنف، انجمن های طرفدار حقوق زن، انجمن های کمک به بزه دیدگان و میانجیگری را نام برد که فلسفه وجودی آنها کمک های حقوقی، مادی و روانی به بزه دیدگان است.

۳-۱ پیامدهای بزه دیده شناسی ثانویه

البته این تحول بزه دیده شناسی و پیمایش های حمایت از بزه دیدگان خالی از پیامد جدی نبود. یکی از پیامدهای آن توجه دوباره به مفهوم جرم در جرایم سنتی است. جرایمی که قربانیان آن ملموس، مستقیم و قابل رویت هستند و دیگر از جرایمی که بزه دیده ندارند یا قابل رویت نیستند بحثی نمی شود و به عبارتی آنها تنها از جرایمی یاد می کنند که اصطلاحاً به آنها جرایم خیابانی یا یقه آبی می گویند و جرایم آپارتمانی، اقدامات باندي و جرایم اشخاص حقوقی که سبب آسیب های اجتماعی شدیدی می شوند، به بوته فراموشی سپرده شده اند؛ علی رغم اینکه جرایم سازمان یافته و گروهی ممکن است میلیون ها نفر را قربانی کنند. حتی می توان گفت بطور کلی در مورد بقیه اقدامات آسیب رسان اجتماعی، حتی آنهایی که به عنوان جرایم قانونی توصیف می شوند به همین منوال است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۵).

پیامد منفی دیگر این است که جهت گیری حقوق جزایی و عدالت کیفری به سمت سزادهی مجرمان می باشد و متعاقب آن مفهوم اصلاح و درمان مجرمان کنار گذاشته شده و حقوق بزه دیده گان مطرح می شود؛ و به عبارتی، طرفداران این نوع بزه دیده شناسی در مقابل حقوق بزه کاران، حقوق بزه دیدگان را ایجاد کرده اند.

این پیامدها و دیگر ایراداتی که از سوی بزه دیده شناسان و جرم شناسان مطرح گشته است، سبب ایجاد شکاف و جهت گیری در بزه دیده شناسی شده و بی طرفی و عینیت را در بزه دیده شناسی تحت الشعاع خود قرار داده است؛ بطوریکه ما را همواره با دو رویکرد، جهت گیری علمی (بزه دیده شناسی اولیه)، جهت گیری انسان دوستانه (بزه دیده شناسی ایدئولوژیک - سیاسی)، در بزه دیده شناسی مواجه کرده است. فرق این دو رویکرد در آن است که هدف بزه دیده شناسی ایدئولوژیک - سیاسی دفاع از بزه دیده به عنوان قربانی جرم است، بدون اینکه نقش او در ارتکاب جرم

مورد توجه و بررسی قرار گیرد؛ در حالیکه بزه دیده شناسی علمی، به بزه دیده به عنوان کسی که در ارتکاب جرم سهم داشته نگاه می‌کند و او را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بنابراین می‌توان گفت اگرچه دفاع از حقوق بزه دیده گامی مثبت و قابل تحسین است، اما نباید با دفاع از حقوق بزه دیده، حقوق بزه کاران را فراموش کنیم و نباید مطالعات و اقدامات سیاسی و ایدئولوژیکی برای دفاع از بزه دیده را با واقعیت بزه دیده از نظر علمی تفکیک کنیم، چرا که در مواردی بزه دیده خود باعث ارتکاب جرم می‌شود و در واقع سهمی در تقصیر دارد؛ و در پاره‌ای دیگر از جرایم، جرم به مجرم و بزه دیده هر دو قابل انتساب است.

فصل چهارم: تنوع جرم شناختی بزه دیدگان اگر هر اقدام خلاف یا مغایر قانون که دارای وصف مجرمانه است همانند مثالی تصور شود. جرم، مجرم و بزه دیده اضلاع سه گانه آن را تشکیل می‌دهند. بزه دیدگان یکی از اضلاع مثلث جرم هستند که نقش آنها از نظر جرم شناسان به دور نمانده و از اوایل دهه ۷۰ میلادی در رشته جدیدی بنام بزه دیده شناسی به بررسی بزه دیدگان جرایم پرداخته شده است. جرم شناسان به دلیل تنوع بزه دیدگان در طبقه بندی آنها با مشکلاتی مواجه گردیده‌اند و در این خصوص دیدگاههای مختلفی ابراز شده است. این تنوع بزه دیدگان موجب طبقه بندی های گوناگونی بر اساس معیارهای متفاوتی همچون ضعف و ناتوانی، جنسیت، وضعیت ظاهری و فردی و ... شده است. اغلب جرم شناسان میزان نقش و مسئولیت بزه دیدگان یا ضعف و ناتوانی آنان را بیش از سایر عوامل مورد توجه قرار داده‌اند.

۴-۱ تأثیر یافته های بزه دیدگی ثانویه

بزه دیده‌های که نظام عدالت کیفری را پناه گاهی برای شناسایی حقوق خود و به رسمیت شناختن بزه دیدگی خود می‌داند، چنانچه پس از مراجعه، به هدف مورد نظر خود دست نیابد چه بسا به عملکرد نظام عدالت کیفری بدبین شود. این امر می‌تواند آلام ناشی از بزه دیدگی را تشدید کند. این نوع بزه دیدگی به بزه دیدگی ثانویه معروف شد. تحت تأثیر این یافته جرم شناختی و در جهت پرهیز از آثار و تبعات منفی آن به تدریج سازو کارهای حقوقی در جهت رعایت حقوق بزه دیده در نظر گرفته شد و مفاهیمی مانند دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه، که ناظر به حقوق بزه دیده بود، پدیدار گشت. بی‌تردید در کنار واقعیت علمی مذکور رشد و گسترش رعایت معیارهای حقوق بشر در سطح جهانی و منطقه ای در شکل‌گیری این سازوکارها مؤثر بوده است. سازو کارهای حقوقی مذکور حقوق ابتدا در سطح داخلی و به ویژه رویه قضایی برخی از کشورها پذیرفته شد. به تدریج نظام های داخلی تلاش کردند که به حقوق بزه دیده جنبه قانونی دهند (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱: ۲۳۲). به نحوی که «نیروی ضربت رئیس جمهوری درباره عدالت برای بزه دیدگان» (آمریکا) ۱۰ در سال ۱۹۸۲ تشکیل شد. وظیفه این کمیته ارزیابی نیازهای بزه- دیدگان در فرآیند نظام عدالت کیفری بود. این گروه تلاش کرد که با هزاران بزه دیده، حقوقدان، قاضی و پزشک و مدافع حقوق بزه دیده مصاحبه کند. این کمیته در گزارش خود بیان می‌دارد، حالی که به حقوق متهمان توجه می‌شود، حقوق بزه دیدگان نادیده گرفته شده و بزه دیدگان پس از تحمل درد و رنج بزه دیدگی به طور مکرر مورد بازجویی قرار می‌گیرند، مجبوراند که تجربه بزه دیدگی شان را به طور مکرر بازگو کنند، از جریان پرونده غیر مطلع نگه داشته می‌شوند و مجبور می‌شوند که به طور مکرر در دادگاه حضور پیدا کنند. این گونه اقدامات موجب می‌شود

که بزه دیدگان پول و درآمد خود را در مسیر پرپیچ و خم فرایند عدالت کیفری از دست دهند به گونه ای که حتی برخی بیان می‌دارند که تجربه حضور در نظام عدالت، دردناک تر از تجربه بزه دیدگی ناشی از جرم است. این کمیته با آگاهی از این مسائل تلاش کرد جهت رفع مشکلات بزه دیدگان در احقاق حقوق خود پیشنهادهای را ارائه کند. بنابراین با توجه به یافته های خود از طرز عملکرد نظام عدالت کیفری پیشنهادهای را ارائه داد. به تدریج این پیشنهادها در قوانین عادی ایالت های مختلف آمریکا گنجانده شد. نه تنها قوانین عادی پیشنهادهای این کمیته را عملیاتی کردند بلکه حتی در برخی از ایالت ها، قوانین اساسی نیز جهت درج حقوق بزه دیدگان اصلاح شد (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱: ۲۳۳).

۵-۱ استمرار نداشتن حقوق بزه دیده در فرایند زمان

از دیگر تأثیر یافته های بزه دیدگی ثانویه بر حقوق بزه دیده، استمرار نداشتن حقوق بزه دیده در فرایند زمان است که بعد از گذشت مدت زمان معین شده در ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، اجرای احکام قطعی تعزیری موقوف می‌شود. این موارد اعم از جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت است. مرور زمان از قواعد آمره حقوق کیفری است که با توجه به فلسفه و اهداف مجازات ها وضع شده است، به همین جهت موافقت یا عدم موافقت بزه دیده در اعمال آن تأثیری ندارد، بنابراین فقط به بخشی از نیازهای بزه دیده در آن توجه شده است. مرور زمان نافه حقوق بزه دیده در ضرر و زیان ناشی از جرم نیست. به همین جهت ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.» در مواردی که بزه دیده سالها تلاش کرده تا موفق به محکوم کردن مرتکب شده است. با اجرای مرور زمان مجازات، باید مجدداً مبادرت به طرح دعوای ضرر و زیان در دادگاه حقوقی نماید. در واقع به نوعی دچار بزه دیدگی ثانویه می‌شود. لذا، اطلاق ماده یاد شده قابل انتقاد است و بایستی در جهت حفظ حقوق بزه دیدگان، اعمال قاعده مرور زمان، اصلاح گردد. ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) اعلام داشته که در جرایم ذکر شده در ماده یاد شده (جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون یاد شده و جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر) مرور زمان اجرای مجازات اعمال نمی‌شود. می‌توان در بند بعدی همان ماده نیز شرط برخورداری از مرور زمان مجازات را، پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم اعلان نمود."

۲- بزه دیدگی ثانویه و نظام عدالت کیفری

۱-۲ حق بزه دیده در بزه دیدگی ثانویه در جرایم مستوجب حد

در احادیثی درباره حد سرقت نیز به حق بزه دیده توجه شده است. مثلاً در حدیثی امام صادق (ع) فرمودند: «من أخذ سارقاً فعفا عنه فذلك له...» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، الباب ۱۷ من ابواب مقدمات الحدود، الحدیث ۳) حق عفو سارق توسط بزه دیده پیش‌بینی شده است. این حق محدود به قبل از شکایت شده، ولی بعد از شکایت بخشش پذیرفته نمی‌شود، لذا در ادامه روایت آمده است: «... و انما الهبه قبل أن یرفع الی الامام...» در روایتی دیگر هم پیامبر (ص) عفو قبل از بخشش را نیکو دانستند. (همان، حدیث ۲)

بر همین اساس مشهور فقیهان امامیه، قبل از شکایت، سرقت را حق الناس دانستند. (خوئی، ۱۴۰۳، ۳۱۳) همین مینا می‌تواند در سایر جرایم حدی مثل زنا به عنف، اکراه و یا اغفال بزه دیده هم مورد توجه قرار گیرد (شیری، ۱۳۹۷: ۹۰). ممکن است بزه کار در موارد فوق توبه نماید، در این صورت مجازات وی بر اساس موازین فقهی و قانونی ساقط می‌شود. اگر بزه کار، به عنف، اکراه و یا اغفال بزه دیده، مرتکب زنا با وی شود و توبه نماید، مجازات حدی درباره وی ساقط خواهد شد.

در این صورت تکلیف بزه دیده چه خواهد شد؟ آیا حقوق وی بدون کیفر بزه کار تأمین خواهد شد؟ در واقع عدم کیفر بزه کار، نوعی بزه دیدگی ثانویه نسبت به وی محسوب می‌شود. در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) این نارسایی برطرف شد و قانونگذار به حقوق بزه دیده در این موارد توجه کرد. طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۴ قانون یاد شده: «در زنا و لواط هر گاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود.» کیفر حدی چون دارای جنبه حق الهی است با توبه ساقط می‌شود، ولی به جهت رعایت حق بزه دیده می‌توان او را کیفر کرد. این ماده چنین حقی را در نظام حقوقی ایران، برای اولین بار به رسمیت شناخت.

۲-۲ حق بزه دیده در بزه دیدگی ثانویه در جرایم مستوجب قصاص

حق قصاص در جنایات متعلق به بزه دیده یا وارث طبق ماده ۳۴۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «حق قصاص به شرح مندرج در این قانون به ارث می‌رسد.» وی می‌باشد. ماده ۳۴۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در این باره مقرر می‌دارد: «صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می‌تواند به طور مجانی یا با مصالحه، در برابر حق یا مال گذشت کند.» قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) به طور گسترده ای ابعاد حق قصاص را در مواد ۳۴۷ تا ۳۶۷ پیش‌بینی نموده است.

در حقوق کیفری ایران بیشترین حق در جرایم مستوجب ضمانت اجرای قصاص دیده می‌شود. حتی بر اساس موازین فقهی امکان مباشرت بزه دیده در اجرای قصاص هم پیش‌بینی شده است. / قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا» (اسراء / ۳۳).

حق تعیین مجازات در ضمانت اجرای قصاص برای بزه دیدگان اولیه و ثانویه هر دو به رسمیت شناخته شده است. در جنایات کمتر از نفس، این حق متعلق به کسی است که از وقوع جنایت مستقیماً آسیب دیده است. در ماده ۳۶۵ ق.م.ا (۱۳۹۲) این حق را برای بزه دیده اولیه پیش‌بینی نموده است: «در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند...» (شیری، ۱۳۹۷: ۹۱).. هر چند در دنیا حق تعیین مجازات یا هر گونه توافقی با بزه کار برای بزه دیدگان ثانویه پذیرفته نشده است، ولی در حقوق ایران با تبعیت از موازین فقهی، چنین حقی پذیرفته شده است، مواد ۳۴۸، ۳۵۰ و ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) این حق را برای اولیای دم یعنی وراث قانونی مقتول به رسمیت شناخته است. حتی اگر اولیای دم یا برخی از آنان، صغیر یا مجنون باشند، حق آنان در تعیین مجازات یا توافق بر دریافت مبلغی به عنوان دیه یا مصالحه و گذشت، محفوظ است و آنان می‌توانند این حق را وفق مواد ۳۵۴ و ۳۵۶ قانون

مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، اعمال نمایند. در رأی وحدت رویه ۳۱ مورخ ۱۳۶۵/۸/۲۰ نیز در این باره مقرر می‌دارد: «در مورد قتل عمدی اگر بعضی از اولیاء دم کبیر و بعضی دیگر صغیر باشند و اولیاء دم کبیر تقاضای قصاص نمایند با تأمین سهم صغار از دیه شرعی می‌توانند جانی را قصاص نمایند...» / حتی امکان استیفای قصاص مستقیماً توسط بزه دیده نیز در حقوق ایران وجود دارد. ماده ۴۱۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) «امکان استیفای قصاص توسط صاحب حق قصاص» و در ماده ۴۱۹ همان قانون چنین حقی را به رسمیت شناخته است: «اجرای قصاص و مباشرت در آن، حسب مورد، حق ولی دم و مجنی علیه است که در صورت مرگ آنان، این حق به ورثه ایشان منتقل می‌شود.» «رفته رفته، حقوق بزه دیدگان ثانویه، تأثیر تحولات بزه دیده‌شناسی ارتقاء یافته است. روشن‌ترین نمونه به خانواده‌های بزه دیدگان مقتول باز می‌گردد. اگرچه این افراد، بزه دیدگان اولیه نیستند. اما احتمالاً ضربه‌ای عمیق‌تر از هر بزه دیده دیگری را تحمل می‌کنند. ضربه ناشی از یک داغدار شدن ناگهانی، اغلب با پلیدی یک حمله یا بی‌احساسی در یک قتل، ترکیب می‌شود.» (زندر، ۱۳۹۳: ۸۵۹).

در حقوق ایران، در قتل، اولیاء دم صاحب حق شناخته می‌شوند. اما برای سایر بزه دیدگان ثانویه مثل شهود و ناظران صحنه جرم، در نظام‌های عدالت کیفری حقی در تعیین مجازات در نظر گرفته نشده است.

۲-۳ حقوق بزه دیده در بزه دیدگی ثانویه در نظام نیمه آزادی

طبق ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که براساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.» (شیری، ۱۳۹۷: ۹۹).

حقوق بزه دیده در نظام نیمه آزادی در ایران طبق ماده ۵۷، نظام نیمه آزادی فقط در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت قابل اجراست. "تا حدودی رعایت شده است. بر اساس ماده ۵۷ قانون یاد شده: «... دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، مشارکت در تدویم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد...»

در ماده یاد شده در دو مورد به حقوق بزه دیده توجه می‌شود، نخست اعطای آن را مشروط به گذشت شاکی دانسته و دوم اینکه به تأثیر نظام نیمه آزادی در جبران خسارت بزه دیده توجه شده است. مثلاً چنانچه بزه کار بتواند در ایام کار به فعالیت شغلی بپردازد و درآمدی کسب کند می‌تواند از محل همان درآمد، ضمن تأمین نیازهای خود، به تدریج ضرر و زیان وارده به بزه دیده را جبران نماید.

۳- مشارکت بزه دیده در فرایند دادرسی کیفری

عدالت ترمیمی، برخلاف عدالت کیفری که دعوای کیفری را به عنوان دعوایی بین دادستان و متهم محسوب می‌کند، بر این اعتقاد است که دعوای کیفری در اصل متعلق به متهم بزه دیده و (در صورت آسیب دیدگی) جامعه محلی است و از این رو مشوق مشارکت بزه دیده، بزه کار و جامعه محلی است. (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۸) اگر بزه دیده نتواند مداخله و مشارکت لازم را در فرایند

عدالت کیفری بنماید، در واقع به نوعی دچار نامالایعات ثانوی و بزه دیدگی ثانوی شده است. به منظور پیشگیری از «بزه دیدگی دومین» اصلاحات مهمی در سالهای اخیر در نظام عدالت کیفری به عمل آمده است که از مهم ترین آنها کاهش محدودیت های مربوط به مشارکت بزه دیده در فرایند دادرسی است. (شیری، ۱۳۸۸، ۴۴۹) عدم برخورداری بزه دیده از جایگاه شایسته در اغلب نظام های حقوقی سبب شده است که از آنها به «اشخاص فراموش شده» تعبیر شود. (رایجیان، ۱۳۸۴: ۹۵) در جریان مذاکرات کنفرانس رم این بحث مطرح شد که صرف مجازات جنایتکاران کافی نیست زیرا اگر اجرای عدالت از جانب بزه دیدگان احساس نشود، عدالت نخواهد بود و به منظور اجرای عدالت برای بزه دیدگان، دیوان باید حقوق پیرو چنین دیدگاهی بود که سعی شده است با اقتباس از نظام حقوقی کامن لاء، بزه دیدگان نیز نقش مؤثرتری در فرایند تحقیق، تعقیب و نهایتاً رسیدگی در دیوان داشته باشند. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و قواعد دادرسی و ادله ۲ در موارد مختلف خود به بیان حق مشارکت بزه دیده در فرایند دادرسی اشاره میکنند. در بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه آمده است: «در مواردی که منافع شخصی بزه دیدگان در معرض تعرض قرار میگیرد، دیوان اجازه خواهد داد که نظرات و مواردی که موجب نگرانی آنان است ارائه شود و در مراحل مختلف دادرسی که توسط دیوان مناسب تشخیص داده میشود، به نحوی که منافی یا معارض با حقوق متهم و نیز دادرسی بیطرفانه و منصفانه نباشد، بررسی شود. نظرات و موارد نگرانی مزبور میتواند توسط نمایندگان قانونی بزه دیدگان ارائه شود، مشروط بر آنکه به نظر دیوان و بر اساس قواعد دادرسی و ادله چنین امری مناسب تشخیص داده شود» (غلامی و رستمی غازانی، ۱۳۹۲: ۴۸).

خصوصیات و ویژگی های حاکم بر مرحله دادرسی اقتضا می کند که طرفین جرم مشارکت بیشتری در طی این فرایند داشته باشند. ملاک هایی که در این گفتار به آنها اشاره می شود جزء تدابیری هستند که در حمایت از بزه دیده قابل توجه هستند.

۳-۱-۱ حمایت های کلی

۳-۱-۱-۱ درخواست ترک محاکمه

درخواست ترک محاکمه از سوی بزه دیده را که در تبصره ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ پیش بینی شده است، از موانع دادرسی باید به شمار آورد که می تواند نشانگر توجه به بزه دیده نیز باشد. انگیزه تأسیس چنین نهادی حمایت مستقیم از بزه دیده است و مقنن در سیر فکری خود در صدد ایجاد فرصت حقوقی مناسب و شایسته برای بزه دیده است. چنین موقعیتی اهرم ضمانتی است که بزه دیده می تواند از آن در راستای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم متهم استفاده کند و چنانچه متهم از جبران خسارت منصرف شود یا تمایل چندانی به جبران خسارت نداشته باشد مجدداً درخواست تعقیب کند. اصولاً متهم برای خلاصی از محاکمه و عدم مواجهه با محکومیت کیفری اقدام به جبران خسارت را می پذیرد و در این زمینه تلاش می کند که این امر به نوبه خود حمایت از متهم محسوب می شود و مقنن در صدد بوده است تا با ایجاد چنین فرصتی وی سزاوار کیفر نباشد و در مسیر فرایند اجرای مجازات قرار نگیرد. البته اراده جلب اتهام نسبت به متهم و سلب اتهام از وی از سوی بزه دیده و عدم محدودیت زمانی در استیفای چنین حقی، متهم را در مظان توجهات اتهام آمیز قرار می دهد (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۳۰۸-۳۰۷).

یکی از امتیازاتی که بزه دیده از آن برخوردار است رسیدگی در غیاب متهم است. رسیدگی غیابی از تأخیر در رسیدگی و بلا تکلیف ماندن تعقیب جلوگیری می کند. هر چند چنین رسیدگی به نفع متهم نیست و حتی المقدور باید جلسات با حضور وکیل متهم یا خود وی یا هر دوی آنها تشکیل شود اما در اثر طولانی شدن فرایند دادرسی بزه دیده بیشتر متضرر می شود. قانون گذار برای اینکه بزه دیده از این رهگذر دچار بزه دیدگی نشود دادگاه را مکلف به تشکیل جلسات دادرسی غیابی کرده است (ماده ۱۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸). رسیدگی غیابی از موجبات تسریع دادرسی و تسهیل امکان صدور حکم محسوب می شود.

۳-۱-۳ سازش و درخواست آن

فراهم کردن زمینه صلح و سازش میان طرفین دعوا یکی از شیوه هایی است که از دیرباز رایج بوده و امروزه براساس یافته های جنبش عدالت ترمیمی از ملاک های جهانی حمایت از بزه دیده در فرایند ترمیمی یا احیائی محسوب می شود. نهاد صلح و سازش یکی از ابزارهای حمایت از بزه دیده است و زمانی که امکان صلح و سازش مطرح می شود، نیازهای بزه دیدگان و مسئولیت های متهمان جهت جبران خسارت وارده در اولویت قرار می گیرد. صلح و سازش، به بزه دیده فرصت می دهد تا دغدغه های خود را درباره بزه دیدگی مطرح کند و به طور کلی، به درک و شناخت علل و انگیزه وقوع جرم کمک می کند و ضمن توجه به نیازهای بزه دیده و میزان خسارت وارده، متهم یا بزه کار را برای جبران در برابر بزه دیده پاسخ گو می سازد.

مواردی که ذکر شد در پی نشست بزه دیده و متهم و تعاملات ناشی از آن حاصل می شود زیرا طرفین دعوا پذیرفته اند که در کنار یکدیگر قرار بگیرند و در مورد پیامدهای منفی جرم گفت و گو کند و در صورت حصول توافق منطقی و معقول آن را به مرحله اجرا در آورند. حتی دلایل درمانی قابل توجهی در خصوص بازگویی مکرر داستان مجرمانه در جلسات سازش برای بزه دیده وجود دارد. در مقررات دادرسی کیفری ایران، ماده ۱۹۵ قانون ۱۳۷۸ اصلاح ذات البین را پیش بینی کرده است که براساس آن، در اموری که ممکن است با صلح طرفین قضیه خاتمه پیدا کند، دادگاه برای اصلاح ذات البین کوشش و جهد کافی به عمل خواهد آورد. مقنن برقراری صلح و سازش میان طرفین دعوا را در جرائم قابل گذشت مورد تأکید قرار داده است و با توجه به اطلاق ماده مذکور در صلح و سازش، در جرائم غیرقابل گذشت بزه دیده می تواند به منزله مدعی خصوصی و از حیث ضرر و زیان ناشی از جرم با طرف دیگر جرم (در صورت توافق) وارد مذاکره و سازش شود. همچنین حصول سازش ممکن است منجر به گذشت بزه دیده از شکایت خود شود و از نظر دادگاه به اعمال جهات مخففه قضائی در حق مرتکب جرم بینجامد. درخواست سازش و تحقق آن بر عهده طرفین دعواست و قاضی دادگاه صرفاً مجاز به تشویق به سازش است و اجباری برای پذیرش سازش و حضور در جلسه سازش نیست. این موارد از نقاط قوت مقررات مربوط به سازش است که با برخی از ملاک های جهانی در زمینه سازش همخوانی دارد. با توجه به وضعیت موجود بهتر است قانون گذار این نهاد را از مرحله شروع تا خاتمه فرایند تعقیب پیش بینی کند تا فرصت تصمیم گیری بیشتری برای طرفین دعوا ایجاد شود و از طرف دیگر در صورت حصول سازش در مراحل اولیه تعقیب از تقبل هزینه های زمانی، اقتصادی و هزینه های ناشی از به کارگیری نیروی انسانی در قوه قضائیه جلوگیری می شود و بزه دیده در مدت زمان کمتر و با صرف هزینه های کمتر به نتیجه مطلوب می رسد و در صورت امکان متهم از مظلومان

اتهام رهایی می‌یابد و بزه کار از مسیّر پذیرش پاسخ های دستگاه عدالت کیفری در مورد جرم خارج می‌شود. نکته مهم آن است که تسهیل‌کنندگان امر سازش با دریافت آموزش های لازم و توجه به پروندهء شخصیت طرفین دعوا در جلسات شرکت کنند.

۳-۱-۴ رسیدگی به دعوی خصوصی ضمن دعوی عمومی

یکی از تدابیر ارزنده ای که برای حمایت از بزه دیده پیش‌بینی شده است رسیدگی به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در حین رسیدگی به دعوی کیفری است. دادگاه برای تسهیل دسترسی بزه دیده به ساز و کارهای جبران خسارت و ممانعت از تقبل هزینه های بیشتر از سوی بزه دیده مکلف است در طول دادرسی به دعوی خصوصی نیز رسیدگی نماید (ماده ۲۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸). مطابق این قاعده، مقنن رسیدگی به دعوی خصوصی در حین دعوی عمومی را تأکید کرده است. رسیدگی دادگاه کیفری به دعوی حقوقی زیان‌دیده از جرم جزء لوازم اجزاهء طرح دعوی خصوصی در ضمن دعوی عمومی از طرف بزه دیده است. در واقع با چسبیدن تسدبیری به حمایت حقوقی از بزه دیده برخاسته و (ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) برای تضمین رسیدگی به دعوی خصوصی ضمانت اجرای کیفری قائل شده است.

۳-۱-۵ حق درخواست تحقیق از حاضرین در جلسه بدون احضار قبلی

به موجب ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، دادگاه مکلف به استماع اظهارات و تحقیق از افرادی است که قبلاً احضار نشده اند و متهم یا مدعی خصوصی تحقیق از آنها را درخواست می‌کند. وجود چنین موقعیتی برای متهم و بزه دیده در دادرسی دو نکته را روشن می‌سازد. نخست، قانون‌گذار در حدود قانون اجازه مطلق کشف حقیقت را تجویز کرده است. دوم، مقنن سعی در ایجاد تسهیلات بیشتر در روند اثبات دعوا برای طرفین داشته است چرا که تحصیل دلیل از جانب طرفین دعوا و ارائه آن در اثبات ادعا یا دفاع از آن، از حقوق مسلم و شناخته‌شدهء طرفین دعوا در دادرسی هاست، مقنن ارائه دلایل تحصیل‌شده را آزاد می‌داند و دادگاه مکلف به پذیرش آن است تا حقیقت کشف و از اشتباه قاضی جلوگیری شود.

۳-۱-۶ حمایت ویژه یا افتراقی از بزه دیدگان خاص

حمایت از ناتوانان بزه دیده یکی از اقداماتی است که در برنامه های سیاست جنائی سازمان ملل گنجانده شده است. برای نمونه، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به محترم شمردن حق زندگی آبرومند و تأمین اجتماعی همه اشخاص (از جمله، افراد بیمار و دارای نقص عضو) اشاره دارد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز با تصویب اعلامیه حقوق ناتوانان از همه کشورها می‌خواهد تا در جهت حمایت از ناتوانان تدابیر ملی و بین‌المللی خود را برای ثبت این اعلامیه به عنوان بنیان و چهارچوبی مشترک گسترش دهند. قانون‌گذار ایران هم از این امر غافل نمانده و از بزه دیدگان دارای معلولیت جسمی حمایت کرده و از طرف دیگر دامنهء حمایت خود را گسترش داده و متهمین و شهود طرفین دعوا را هم در این حمایت پوشش داده است و افرادی که در مقام متهم، شاهد یا مطلع دارای معلولیت جسمی هستند در کنار بزه دیدگان ناتوان از حمایت مندرج در ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ بهره‌مند می‌شوند. در این ماده به حمایت از معلولین جسمی پرداخته شده است. اما بهتر بود که مصادیق معلولیت احصا نمی‌شد و چنانچه احصا مصادیق مصلحت بود، اهم مصادیق معلولیت ذکر می‌شد. برای نمونه در مورد نابینایان که یکی از مصادیق بارز معلولیت جسمی است اشکال‌های ناشده است و مقنن صرفاً معلولین کر و لال را ذکر کرده است (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۳۱۱).

یکی از سیاست‌های اداره شهر، سیاست پیشگیری می‌باشد که مبتنی بر مشارکت است. «این سیاست از آغاز سال ۱۹۸۰ به دنبال اجرای پیشگیری محلی از بزه کاری می‌باشد که این امر در شورای پیشگیری منطقه ای مطرح شده و رویکرد آن به کارگیری اجتماعی است که مسئولیت‌پذیر و مسئول کننده باشد.» (لازرز، ۱۳۹۰: ۱۵۷) سیاست جنایی مشارکتی، محل بحث مشارکت جامعه و مردم در اموری است که به آنها مربوط می‌شود. «سیاست جنایی مشارکتی نوعی از سیاست جنایی است که با مشارکت وسیع جامعه مدنی همراه است و هدف آن استفاده از سایر نهادهای واسطه، به غیر از پلیس و قوه قضائیه برای اعتبار بخشیدن به سیاست جنایی تقنینی و قضایی و نیز استفاده از قدرت رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان برای فراهم ساختن زمینه اجرایی آن است.» (لازرز، ۱۳۹۰: ۱۵۰) به نظر می‌رسد محل اصلی بحث پیشگیری از وقوع جرم در سیاست جنایی مشارکتی باشد. آنچه که در اقسام پیشگیری از وقوع جرم مطرح می‌گردد حکایت از نوعی واکنش اجتماعی دارد که با مجازات فاصله داشته و تمایل بر این دارد که قبیح عملی را به مجرم بفهماند و در مراحل پیشگیری آن، در کنار مجرم حضور داشته باشد. در این میان تدابیر پیشگیرانه مشارکتی به مثابه یکی از ابزارهای عمده تحقق سیاست جنایی مشارکتی مطرح است. در خصوص بزه دیدگی ثانویه باید اذعان داشت که در کتب مطرحی مانند «دانشنامه بزه دیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم» به این مهم پرداخته نشده است و این قسم از بزه دیدگی، در کتب خاص بزه دیده‌شناسی نیز تبیین نشده است. بزه دیدگی ثانویه، همان بزه دیدگی ناشی از مراجعه به سیستم قضایی است. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۳: ۴۴۰) از طرفی می‌توان این تعریف را نیز برای بزه دیدگی ثانویه مطرح کرد که به بزه دیدگی غیرمستقیمی از آن تعبیر شود.

مشارکت مردم در مرحله پاسخ دهی به واکنشی، بخشی از این موضوع را به خود اختصاص می‌دهد که این مساله ابعاد و جلوه‌های مختلفی دارد که از ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و بسیار مهم و بحث‌انگیز می‌باشد. (قمی اوپلی، ۱۳۹۷: ۵۰۳). این پاسخ نیاز به این تحقیق دارد که چگونه و به چه شکلی بهترین تأثیر خود را در زمینه پیشگیری از جرم نمایان می‌سازد. از سوی دیگر، گاه فرهنگ یک جامعه مورد سوء برداشت قرار می‌گیرد و فرهنگی که خود پایه اعمال پیشگیرانه است، نیازمند نظارت و کنترل می‌شود. اصطلاح جرایم فرهنگی، بدیع می‌باشد. از آن جهت که تعبیری تاکنون از آن صورت نگرفته است و تعاریفات پیرامون آن، نتوانسته است توجهات اندیشمندان داخلی را به خود جلب نماید. لکن معنای اولیه‌ای که از آن به ذهن متبادر می‌گردد این است که فرهنگی که خود جرم‌زا می‌باشد مورد نظر است. البته می‌توان اینگونه نیز معنا کرد که جرایم فرهنگی، اعمالی ضد اخلاقی و ضد اجتماعی است که در حوزه فرهنگ رخ می‌دهد. فرهنگ مجموعه‌ای از دستاوردهای جامعه در زمینه پیشرفت‌های مادی و معنوی است که از سوی جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد و شامل سنت‌های فرهنگی است که در خدمت پیشرفت آتی بشریت قرار دارند. عبارت دیگری که در این موضوع نیاز به تبیین دارد، مدیریت شهری می‌باشد. مدیریت یعنی کارکردن با افراد و گروه‌ها برای رسیدن به مقاصد سازمان وظایف مدیریت عبارتند از برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و انگیزش.

تمامی این وظایف برای مدیریت شهری نیز متصور است. (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۶۶) مدیریت شهری نخست با شناخت از مجموعه شهری، به نیازها و دغدغه‌ها می‌پردازد و سپس برای بهتر ساختن فضای اجتماعی، رویکردی آینده‌محور را پیشه خود کرده و در نهایت امر، به جهانی شدن و ایده‌آل شدن می‌اندیشد. زمانی که صحبت از اقدامات مشارکتی می‌باشد، از چند جهت دارای اهمیت می‌شود که مهم‌ترین آن، برنامه‌هایی است که در سطح عموم جامعه مطرح می‌گردد که به نتیجه رسیدن آن مورد توجه همه افرادی است که از آن مطلع شده‌اند. نتیجه آن می‌شود که برنامه‌ها و اقدامات سیاست‌جنایی مشارکتی نسبت به سایر سیاست‌های جنایی متفاوت بوده و به دلیل آنکه مخاطب آن عموم جامعه می‌باشد، از نظر مبانی، ساختار، مفهوم و روش، از کیفیت بهتری برخوردار است. چرا که برای به نتیجه رسیدن این سیاست‌ها باید به درستی برای همگان تبیین شود و این امر نیاز به مطالعه و برنامه‌ریزی بیشتری دارد. ساختار سیاست‌جنایی مشارکتی به دلیل آنکه در سطح عموم جامعه جاری می‌گردد، با توجه به زمان و مکان تبیین می‌شود. گاه سیاست‌پیشگیرانه مورد نظر است و گاه سیاست سرکوبگرانه در اندیشه عموم جامعه جایگاه دارد. «اصطلاح سیاست‌جنایی مشارکتی تمام معنا و مفهوم خود را با هم‌جواری زمانی و مکانی کنش‌گران پیشگیری، سرکوبگری و بازپذیری اجتماعی بزه‌کار و نیز پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ی؟ به پدیده مضاعف انحراف و بزه‌کاری پیدا می‌کند.» (قمی اوپلی ۱۳۹۷، ۵۰۴).

اعضای جامعه محلی در نتیجه وقوع جرم، نیازهایی پیدا می‌کنند که در راستای آن، باید نقش‌هایی ایفا کنند. طرفداران عدالت ترمیمی، معتقدند که وقتی دولت به نام ما جرم را از آن خود کرد، احساس ما به عنوان جامعه‌ی محلی را نادیده گرفت. جوامع محلی به واسطه‌ی وقوع جرم، تحت تأثیر قرار می‌گیرند و نسبت به بسیاری از جرایم باید به عنوان بزه‌دیده ثانوی صاحب نفع و سهم تلقی شوند. اعضای جامعه محلی در فرایند ترمیم توانایی ایفای نقش‌های مهمی را دارند و ممکن است نسبت به بزه‌دیدگان و بزه‌کاران و همچنین، نسبت به خودشان مسئولیت‌هایی را تقبل کنند. پدیده مجرمانه همواره در نظم عمومی جوامع بشری ایجاد اختلال کرده است و امنیت جانی، مالی، معنوی، اقتصادی و سیاسی انسانها و دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده است. واکنش جوامع در مقابل این پدیده، ابتدا از طریق تدوین، وضع اعمال روشها و ابزارهای قهر آمیز و سرکوبگر باتوسل به نهادهای مختلف حقوق کیفری ابراز می‌شود. در این صورت سیاست مبارزه با پدیده مجرمانه که عمدتاً مجهز به ابزارهای کیفری است و رسالت‌های «عبرت‌انگیزی» و «ارباب‌انگیزی» را دنبال می‌کند، همان سیاست کیفری یا سیاست جزایی است که در واقع در قلمرو «سیاست حقوقی» هر دولت قرار می‌گیرد. (مفهوم مضیق سیاست جنایی) لیکن دولت‌های متحول و پویا، به ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، برای مهار بزه‌کاری، علاوه بر اعمال قواعد و نهادهای مختلف حقوق کیفری، از نهادهای سایر نظامها حقوقی (حقوق اداری، حقوق مدنی، حقوق پزشکی، ...) و نیز از حقوق پیشگیری از جرم، به عنوان تأسیس مستقل از بازدارندگی و پیشگیری عام و خاص ناشی از تدوین و اجرای نظام کیفری، استفاده می‌کنند. در این صورت سیاست مبارزه با پدیده مجرمانه دارای هسته‌ای مرکزی به نام نظام کیفری است، لیکن حول آن، حقوق پیشگیری و سایر نظامهای حقوقی نیز قرار دارد که «سیاست جنایی» یا سیاست کنترل (مهار) جرم را تشکیل می‌دهد (مفهوم موسع سیاست جنایی). سیاست جنایی، در

این مفهوم گسترده، در قلمرو «سیاست جنایی» هر دولت قرار گرفته و متحول می‌شود که در واقع مفهوم موسع سیاست کیفری است. بدین ترتیب «سیاست کیفری» جزئی از سیاست جنایی تلقی می‌گردد. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۴: ۲۹۱)

«مشارکت مردم در عدالت کیفری نیز دست کم در سه قلمرو مهم مورد توجه سازمان ملل متحد قرار گرفته است: شرکت دادن مردم در نحوه اجرا و اعمال کیفر سالب آزادی و جایگزین‌های آن (قواعد توکیو)، و به ویژه طرز رفتار (اصلاحی) یا زندانیان (مجموعه قواعد و مقررات حداقل ملل متحد درباره رفتار (اصلاحی) با زندانیان) شرکت شهروندان در مراجع قضایی خاص رسیدگی به جرایم اطفال مؤسسات ویژه اعمال تصمیم‌های قضایی درباره صغار بزه‌کار (قواعد بیجینگ) و سرانجام استفاده از انجمن‌های و ابتکارهای مردمی در حمایت از بزه‌دیدگان و اشخاص تحت تکفل آنان اعلامیه اصول اساسی عدالت درباره قربانیان بزه‌کاری و قربانیان سوء استفاده از قدرت. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۴: ۲۹۱) باید پیش از این نیز بر این نکته اذعان داشت که پیشگیری از جرم، بالاخص پیشگیری اجتماعی در سیاست جنایی مشارکتی قابل طرح است و نمی‌توان پیشگیری اجتماعی را تنها از یک نهاد تقاضا نمود. دخالت آحاد جامعه در امر پیشگیری باعث می‌شود تا موفقیت در این امر از لحاظ اجرایی و درک اهمیت آن افزایش یابد.

۲-۴ تأثیر

مشارکت مردم در پیشگیری از ارتکاب جرم، یعنی سالم‌سازی جامعه و مبارزه با «کارکردهای اجتماعی» که جرم زا هستند، یکی از مصادیق سیاست جنایی مشارکتی است. شرکت دادن مردم یا اصطلاحاً دادرسان مردمی در عدالت کیفری و به ویژه در مرحله محاکمه کیفری (مثلاً هیأت منصفه) و سرانجام اجازه حضور مردم یا انجمن‌های مردمی در اصلاح بزه‌کاران (زندانیان) کمک به خانواده آنان، کمک به قربانیان مستقیم جرایم (بزه‌دیدگان) و قربانیان غیر مستقیم بزه‌کاری (خانواده یا افراد تحت تکفل بزه‌دیدگان).... از مصادیق سیاست جنایی مشارکتی محسوب می‌شود (قمی اوپلی، ۱۳۹۷، ۵۰۶).

مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه، دو اثر مستقیم دارد. نخست آن که باعث ترمیم بزه‌دیده می‌شود و دوم آن که وضعیت بزه‌دیده و بزه‌کار را تغییر داده و تأثیر می‌گذارد. شرح این دو اثر در ادامه این گفتار طرح خواهد شد

۳-۴ ترمیم بزه‌دیده

بزه‌دیده شخصی است که از ارتکاب عمل مخالف قانون، متضرر شده است. ضرر در فقه به معنی صدمه جانی زدن به خود و دیگری، تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود، تعرض به ناموس دیگران، اتلاف و نابودکردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر مانند غصب و خیانت درامانت و اختلاس، ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده است (باعدم النفع آن) مانند کندن درختان میوه که شکوفه دارد. ضرر در حقوق مدنی، ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۴۱۵) به هر حال با توجه به معنی لغوی و عرفی در تعریف «ضرر» به طور اعم از نظر حقوق جزا می‌توان گفت ضرر یا خسارت، عبارت است از کسر دارایی و ثروت یا از بین رفتن

مالی یا هر نوع لطمه زدن به سلامت و تمامیت جسمی و حیثیتی و حرمت اشخاص، یا فوت منفعت مسلم اشخاص (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی) که از جرم ناشی شده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۴۱۶) بزه دیده با ضرری که متحمل شده است، نیاز به این دارد که حداقل از سوی آحاد جامعه مورد توجه و لطف قرار گیرد. حال اگر این بزه دیده، علاوه بر ضرری که متحمل شده است، مورد سرزنش جامعه قرار گیرد، حاصل آن عدم گزارش بزه دیدگی خواهد شد. سرزنش، تمسخر و بی توجهی به بزه دیده، حاصلی مانند عدم گزارش بزه دیدگی را به دنبال خواهد داشت که نهایتاً باعث می شود بزه دیده خود به فکر انتقام افتد و عقب گردی به دوره انتقام جویی را رقم زند. از سوی دیگر، راهنمایی کردن و حمایت عاطفی از بزه دیده، می تواند بازگشت وی را به جامعه تسریع بخشد. بدین معنا که بزه دیده ضمن این که اقدام به اخذ حق می نماید، در مجازات و برقراری نظم جامعه نیز می تواند موثر واقع شود. نگارنده معتقد است که درصد قابل توجهی از بزه دیدگان نمی دانند که مورد حمایت قانون و جامعه هستند و همین امر باعث می شود تا بزه دیدگی آنان تکرار گردد (قمی اویلی، ۱۳۹۷: ۵۰۷).

۴-۴ اثرگذاری بر بزه دیده و بزه کار

از یک سو شخص بزه دیده مانند کسی است که از عملی مجروح شده و جراحات او با فعل و انفعالاتی متوقف و بهبود می یابد. از طرف دیگر، بزه کار کسی است که تکرار بزه و افزایش بزه دیده را در جامعه تهدید می کند. مشارکت مدنی می تواند بر هر دو مشکل آتی بزه دیدگی تاثیر گذار باشد. از یک سو با کمک مشارکت مدنی، طرف اصلی جرم مدیریت می شود و از طرف دیگر، بزه دیده و جامعه ترمیم شده و امنیت و آرامش محقق می شود.

۴-۴-۱ مدیریت بزه کاری

عدالت ترمیمی انحصار رسیدگی به جرم را از صلاحیت عدالت کیفری خارج می کند. به جامعه محلی اجازه می دهد در روند ترمیمی مشارکت کرده و به عنوان کنشگر دیگری که از جرم ارتكابی متأثر و متضرر شده است، نظرها و ایده های خود را در مورد تعیین پاسخ ترمیمی مطرح کند. همچنین، جامعه محلی فرصتی می یابد که در عدالتی مشارکتی و جمعی، از امکانات و ظرفیت های خود بهره گرفته و در پاسخ دهی به جرم به آنها متوسل شود. بنابراین، در عدالت ترمیمی، کل جامعه و افکار عمومی که دولت و نهادهای حاکمیت معرف آنها هستند، می توانند در آن ذی نفع باشند. جامعه ی محلی به عنوان بزه دیده ثانوی در روند ترمیمی شرکت می کند و طرف مذاکره قرار می گیرد. دلیل حضور و مشارکت دهی جامعه محلی این است که با وقوع جرم، جامعه ی محلی احساس خطر کرده و فضای امن حاکم بر آن متشنج می شود. در عدالت ترمیمی، مناسبت حضور و مشارکت جامعه مدنی چه به صورت سازمان یافته و چه به صورت خود جوش فراهم است و بدین سان، در های عدالت کیفری به روی مردم باز می شود. در عدالت ترمیمی، دستگاه قضایی به مثابه نهادی خود کفا و بسته عمل نمی کند.

جامعه مدنی با مشارکت خود، از یک سو، خدمات حمایتی و مساعدتی را به بزه دیده ارائه می دهد و از سوی دیگر، به بزه کار در ایفای بهتر تعهدهای خود کمک می کند. عدالت ترمیمی در جستجوی تقویت مشارکت و حضور جامعه ی محلی به منظور پیشگیری از تکرار جرم در آینده است. می توان گفت

یکی از مهمترین نتیجه‌هایی که عدالت ترمیمی در رابطه با جامعه دنبال می‌کند، مسأله پیشگیری از بزه کاری است. جرم، موجب ایراد ضرر و زیان است، علاوه بر این، وقوع جرم آشکار کننده وضعیت ناعادلانه قبل از وقوع جرم نیز است. وضعیت پیش گفته حاکی از کارکرد ضعیف نهادهای جامعه‌ی مدنی در تدارک اقدام‌ها و تدابیر پیشگیرانه‌ی اجتماعی و سالم‌سازی محیط‌های اجتماعی جرم‌زاست و نشان‌دهنده‌ی قصور جامعه‌ی مدنی در توجه به رفع علل و عوامل جرم‌زا در بستر جامعه است، ممکن است به وقوع تعارض‌ها، کشمکش‌ها و درگیری‌ها میان بزه‌دیده و بزه‌کار منجر شود؛ به گونه‌ای که در آینده چنین مواردی به صورت وقوع رفتار مجرمانه در جامعه نمود پیدا کند. بدین ترتیب، نظام عدالت ترمیمی به منظور مشارکت دادن سازنده‌ی نهادهای جامعه‌ی مدنی به عنوان نتیجه‌ی ترمیمی، نمایندگان جامعه‌ی مدنی را در فرایندی پویا و انعطاف‌پذیر گرد هم می‌آورد و با چاره‌اندیشی برای حذف موقعیت اجتماعی جرم‌زا در جامعه، باعث می‌شود تا نهادهای جامعه‌ی از این نظام، حمایت‌های مادی و معنوی کنند. نتیجه‌ی ترمیمی نسبت به جامعه‌ی مدنی، مداخله دادن آن در مدیریت دستگاه عدالت و گسترش نقش و نفوذ افراد و نهادهای جامعه‌ی مدنی، به منظور مهار بزه‌کاری و خنثی‌سازی عوامل جرم‌زاست. بدین ترتیب نتیجه‌هایی که عدالت ترمیمی در صدد دستیابی به آنهاست، عبارتند از: ایجاد روحیه‌ی مردم‌سالاری در جامعه، به عقب‌راندن نظام عدالت رسمی به نفع جامعه‌ی مدنی، کاستن از محدوده‌های بی‌حد و مرز و عنان‌گسیخته‌ی قوای عمومی، برگرداندن حق تصمیم‌گیری به نمایندگان ائتلاف جامعه‌ی مدنی و تحقق عدالتی محلی و مردمی جامعه محلی در نتیجه وقوع جرم، امنیت حاکم بر خود را از دست داده و روابط اجتماعی آن دچار تنش شده است و باید حق داشته باشد که در روند رسیدگی به جرمی که آن را نیز متأثر ساخته، مشارکت کرده و باید به دیدگاه‌های نمایندگان جامعه‌ی محلی نیز توجه شود (قمی اوپلی ۱۳۹۷: ۵۰۸).

۲-۴-۴ ترمیم اجتماعی ناشی از جرم

نتیجه ترمیمی دیگری که عدالت ترمیمی نسبت به جامعه مدنی به همراه دارد، ترمیم گسست‌ها و اختلال‌های اجتماعی جامعه است. عدالت ترمیمی با مشارکت دهی طیف گسترده‌ای از افراد و نهادهای جامعه‌ی مدنی، آثار ترمیمی خود را در سطح گسترده تری بر جا می‌گذارد. عدالت ترمیمی در جستجوی بازگرداندن وحدت و هماهنگی به چیزی است که در نتیجه‌ی ارتکاب جرم، گسسته شده است. جرم، موجب ایجاد نوعی انشقاق میان مردم (تقسیم مردم به بزه‌کار و بزه‌دیده) و نیز نوعی گسستگی و شکاف در جامعه‌ی محلی است که در واقع، یکی از مهمترین زیان‌های ناشی از ارتکاب جرم است. رویکرد ترمیمی در صدد تدارک تمهیداتی برای ایجاد آشتی و توافق بین بزه‌کار و بزه‌دیده و بازگرداندن هر دوی آنان به جامعه است. رویکرد پیش‌گفته، معتقد است که نقش‌های بزه‌دیده و بزه‌کار باید موقتی باشد نه دائمی. هر کدام از نقش‌های پیش‌گفته، باید به آینده‌ی رهنمون شود که از گذشته (توأم با خاطره جرم) رهاست و بیش از آن در چنگال جرمی که مرتکب شده یا متحمل شده است. نباشد. (غلامی، ۱۳۸۵، ۷۲۵).

در طی روند ترمیمی، روابط اجتماعی صدمه‌دیده تصحیح می‌شود و اختلالی که پس از وقوع جرم در روابط محلی، دوستی، کاری، همسایگی و توازن زندگی محلی بوجود آمده است ترمیم و بازسازی می‌شود. با وقوع جرم در جامعه، روابط و مناسبات محلی دچار تنش شده و خصومت

آمیز می‌شود. بنابراین، در نتیجه روند ترمیمی از فضای حاکم بر جامعه که با ارتکاب جرم، نظم و آرامش از آن سلب شده، تنش زدایی می‌شود و نمایندگان جامعه ی محلی با مشارکت در روند ترمیمی و مشاهده ی تلاش بزهکار در ایفای تعهدهای ترمیمی خود و این که بین بزه‌دیده و بزهکار اصلاح ذات‌البین صورت گرفته، بر آن می‌شوند که در روابط مخدوش شده ی بین جامعه ی محلی و بزهکار نیز تجدید نظر کرده و کدورت زدایی به عمل آورند. عدالت ترمیمی در صدد ایجاد صلح در جامعه از رهگذر آشتی دادن طرفین و ترمیم خسارت‌های ناشی از جرم است. از دیدگاه عدالت ترمیمی، جامعه محلی، بزه‌دیده ثانوی محسوب می‌شود و بنابراین، طبیعی است که او نیز در این نتایج ترمیم بخش سهیم باشد. جرم صدمه‌ای است که به اشخاص و جامعه ی محلی و شبکه ی اجتماعی وارد می‌شود و بنابراین، ترمیم اختلال ایجاد شده در نظم و توازن جامعه محلی هدف عدالت ترمیمی و نتیجه ای است که در این نظام بر آن تأکید می‌شود. جایگاه جامعه در بزه‌دیدی به سه زمستان بازمی‌گردد. زمستان نخست پیش از ارتکاب بزه است که با تبیین اقدامات پیشگیرانه اجتماعی، نقش مثبت جامعه احراز می‌گردد. زمان دوم به لحظه ارتکاب جرم باز می‌گردد که مداخله صحیح ناظری صحنه جرم و مانع شدن آنها می‌تواند پیشگیری را به همراه داشته باشد. زمان سوم نیز به پس از ارتکاب جرم مربوط می‌شود و می‌تواند از بزهکار بخواهد مجدداً مرتکب جرم نشود و مذموم بودن عمل در جامعه را به بزهکار خاطر نشان سازد. بدیهی است برخورد خودسرانه و ارتکاب جرم دیگر، عدم مقابله با بزهکار، عدم تشویق به گزارش بزه‌دیدی، گم کردن مسیر صحیح برخورد با مساله و نیز پاسخ نامناسب، باعث می‌شود تا جامعه در قبال بزهکاری، توانا تصور نگردد. اگر تمام کسانی که از کنار چنین صحنه‌های مجرمانه ای بسابی توجهی می‌گذرند، بدانند که این نحوه برخورد چگونه مرتکب را جری کرده و وی را تشویق به تکرار آن هم شدیدتر می‌نماید و در آینده ای نزدیک این اتفاق برای اطفال، خانواده وی نیز تکرار می‌شود، به طور قطع در اقدام خود تجدیدنظر کرده و به فکر چاره در مقابل این عمل خواهند افتاد. مشارکت مدنی با اتکا به این شرایط، در تلاش است تا در پیشگیری از بزه‌دیدی ثانویه موثر واقع شود. بدین منظور در این مبحث، ابتدا چگونگی و سپس اقدامات و جایگاه مشارکت مدنی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت (این جمله نیاز به حذف دارد. قعی اوپلی، ۱۳۹۷: ۵۱۰).

مشارکت مدنی در گرو سه اقدام موثر است تا از بزه‌دیدی پیشگیری نماید. آموزش، حمایت و نظارت. مهمترین اقدام، آموزش است که در صورت آموزش اطفال که در برخورد با اطفال زنان زندانی نیز هستند باید این نکته تبیین شود که رفتار آنان منجر به بزه‌دیدی این افراد نشود. از سوی دیگر این آموزش مربوط به سایر آحاد جامعه نیست. بلکه پدرانی که همسرشان زندانی شده‌اند، نیاز به آموزش دارند. اقدام مهم دیگری نیز در این خصوص وجود دارد و آن حمایت از اطفال فرزندان بزهکاران است. در این رابطه لازم است تا از نیازها و شرایط آنان اطلاعاتی به دست آید و بر اساس این اطلاعات، حمایت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... برنامه ریزی شود. به طور مثال، فرزندی که مشکل مالی دارد و از نظر اقتصادی با کلاهبرداری روبرو شده و بزه‌دیده کلاهبرداری نیز می‌شود، نیاز به حمایت اجتماعی و اقتصادی دارد. نظارت حلقه مفقوده دیگری است که شاید کم ارزش بودن یا بی ارزش بودن محیط پیرامون باعث شده است تا اجتماع در مقابل بزه کار و بزه‌دیده عکس العملی نشان ندهد (قعی اوپلی، ۱۳۹۷: ۵۱۱).

۴-۵ نقاط قوت و ضعف مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه

به نظر می‌رسد برای مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه، نقاط قوت و وضعی قابل بیان است که این گفتار، به بررسی مهمترین نقاط قوت، مانند آسان، کم هزینه و موثرترین بودن اشاره دارد و به نقاط وضعی مانند فقدان ضمانت اجرا، زمان بر و یکسان نبودن تاکید دارد.

۴-۵-۱ نقاط قوت

مشارکت جامعه مدنی از سه جهت نسبت به سایر راهکارهای پیشگیرانه مفیدتر محسوب شده و انتخاب آن به دلیل قطعی صورت گرفته است:

- ۱- آسان بودن: این شیوه اگرچه در بخش‌های مختلفی انجام می‌شود ولی می‌تواند ساده باشد و تاثیر خود را بگذارد. به طور مثال، عبارت ساده‌های مانند این که فردی را از اقدام مجرمانه با غیر اخلاقی نهی نماید، می‌تواند مشارکت در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه محسوب می‌شود.
- ۲- کم هزینه بودن: اگرچه گاه مشارکت مدنی از طریق رسانه ملی بوده و هزینه دار است. لکن در مقابسه با هزینه بزه کاری و شرایط موجود در اعمال شیوه‌های پیشگیرانه مفید به نظر می‌رسد. پیشگیری اجتماعی که پیش از این مطرح شد، با فرهنگ سازی همراه است. این فرهنگ سازی در طول زمان بوده و هزینه آن به نسبت بسیار اندک به شمار می‌آید.
- ۳- موثرترین بودن: به نظر می‌رسد مشارکت جامعه مدنی و پیشگیری اجتماعی را باید موثرترین راه در مقابله با بزه دیدگی ثانویه دانست. چرا که نمی‌توان بخشی از جامعه را تنها آموزش داد و باید تمام افراد در اجرای آن سهیم بوده و نقش خود را اجرا کنند (درویشی و جلیلیان، ۱۳۹۴: ۲۰۳).

۴-۵-۲ نقاط ضعف

- علی‌رغم وجود نقاط قوت در مشارکت جامعه مدنی و پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه، نقاط وضعی نیز وجود دارد که مهمترین موارد آن بدین شرح است:
- ۱- فقدان ضمانت اجرا: اگر شخصی از جامعه، اقدام پیشگیرانه خود را انجام ندهد، مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد. بلکه ممکن است این مطلب طرح شود که انجام مشارکت اختیاری بوده و نمی‌توان افراد را مجبور به انجام آن کرد.
 - ۲- زمان بر بودن: در مشارکت جامعه مدنی و تاثیرپذیری از آن و از طرفی اجرای آن در جامعه نیاز به زمان داشتن دارد و عملاً زود بازده و موقتی پاسخ نخواهد داد.
 - ۳- یکسان نبودن: اختلاف طبقاتی و شرایط نامساوی در استفاده از امکانات و از طرفی امکان اجرای راهکارها مشارکت مدنی در جامعه برای همگان یکسان نبوده و آموزش یا حمایت‌های مشارکتی ممکن است بر اثر موقعیت مکانی تغییر یابد (قمی اوپلی، ۱۳۹۷: ۵۱۱).

نتیجه گیری

حق جبران آسیبهای ناشی از جرم برای بزه دیدگان به رسمیت شناخته شده است. راه‌های مناسبی هم برای این حق در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی در نظر گرفته است، ولی کماکان حق بزه دیده در تعیین مجازات و نحوه اجرای آن با چالش‌های جدی از دیدگاه فلسفه حقوق کیفری و بزه دیده‌شناسی روبروست. از طرفی مشارکت بیشتر بزه دیده در این باره منجر به تقویت حس انتقام‌جویی و کین‌خواهی می‌گردد و از

طرف دیگر بی‌اعتنایی در توجه به نظرات وی، می‌تواند منجر به بزه دیدگی ثانویه در حق بزه دیده گردد. این پارادوکس نظری دارای، بازتاب مهمی در رویکردهای نظری به موضوع است. هنوز در اسناد بین‌المللی مربوط به بزه دیدگان، در این باره تمایل چندانی دیده نمی‌شود. در قوانین کشورهای مختلف نیز، با دخالت بزه دیده درباره تعیین مجازات مخالفت می‌شود، ولی درباره نحوه اجرای کیفر و به کارگیری قواعد ارفاق آمیز نظیر آزادی مشروط، آزادی زود هنگام، تعلیق مراقبتی و ... تا حدودی نظرات بزه دیده شنیده می‌شود. در ایران به دلیل تقسیم‌بندی جرایم به قابل گذشت و غیر قابل گذشت، بسترهای مناسب‌تری برای دخالت بزه دیده در تعیین و نحوه اجرای مجازات مشاهده می‌شود. هر چند مشارکت بزه دیدگان در تعیین و نحوه اجرای مجازات در مواردی مثل قصاص، ممکن است منجر به تشفی خاطر آنان شود. ولی ممکن است به افزایش دشمنی و افزایش خشونت در جامعه گردد. در مواردی هم ممکن است به زیاده‌خواهی بزه دیدگان منجر شود و بزه دیدگان ابزار قدرتمند نظام عدالت کیفری را در سرکوب بزه کاران، مورد سوءاستفاده قرار داده و با تهدید بزه کاران به مجازات کردن، بیش از حق خود را مطالبه نمایند. بزه کاران هم که بین تحمل محکومیت یا توافق اجباری با بزه دیده راهی ندارد، توافق کند، ولی به فکر گرفتن انتقام دوباره از وی بر آید و این چنین جامعه در یک سلسله انتقام و مجازات قرار بگیرد و هر شکایتی، شکایت دیگر را به دنیا بیاورد. لذا، باید با ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب و استفاده از ظرفیت نهادهای مدنی، ضمن شنیدن صدای بزه دیدگان درباره مجازات و نحوه اجرای آن، به تحقق سازش و آشتی بین بزه دیده و بزه کار کمک کرد و بدینوسیله از وقوع جرم در آینده نیز پیش‌گیری نمود.

لازم است برای توجیه بزه دیدگی ثانوی به صورت فوق‌العاده عمل نمود. در شمار زیادی از انواع جرائم ارتكابی، تکرار آنها ناشی از ماهیت و اوضاع و احوال تکرار جرم است. به نظر می‌رسد که تئوری انتخاب منطقی بزه کار به ویژه در مورد بزه دیدگی ثانویه به خوبی کاربرد دارد. جرائم علیه یک هدف خاص توسط بزه کاران سابق، بر مبنای تجارب بزه دیدگی قبلی و تصور خطرات و منافع شناخته شده، استوار است. این انتخاب منطقی بر مبنای علم بزه کار با انگیزه در مورد مناسب بودن بزه دیده و احتمال فتنه مراقب‌های قابل است. برای جرائم ثانویه علیه یک هدف که توسط بزه کاران مختلف صورت می‌گیرد، عوامل تصمیم‌گیری منطقی که انتخاب هدف‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند آنها را خواهند بود که بزه کاران قبلی را به هدف قرار دادن بزه دیده خاص تشویق می‌کنند. بزه دیده در عدالت کیفری سنتی، کنشگری فراموش شده و منفعل تبدیل شده بود. عدم اعتماد و اطمینان بزه دیدگان نسبت به حمایت فرایند کیفری از آنان، منجر به عدم رجوع بزه دیدگان به دادگستری و توسل به روش‌های غیررسمی حل و فصل اختلاف‌های کیفری شده است. مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه دو نقش را ایفا می‌کند: ۱- ترمیم بزه دیده و ۲- اثرگذاری بر بزه دیده و بزه کاری با مدیریت بزه کاری و ترمیم اجتماعی ناشی از جرم صورت می‌گیرد. مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه دارای نقاط قوتی مانند: ۱- آسان بودن، ۲- کم هزینه بودن، ۳- موثرترین بودن است. نقاط ضعف مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه عبارت است از: ۱- فقدان ضمانت اجرا ۲- زمان بر بودن ۳- یأس‌ناک نبودن. از سوی دیگر، مفهوم بزه دیدگی ثانویه اجمال دارد. بدین معنا که عده‌ای بزه دیدگی ثانویه را همان بزه دیدگی غیرمستقیم می‌دانند و هر شخصی می‌تواند بزه‌کار باشد (اعم از حقوقی و حقیقی) و عده‌ای بزه دیدگی ثانویه را تکرار بزه دیدگی برای بزه دیده نخست از یک جرم در زمان تعامل و مراجعه با نظام قضایی می‌دانند. در این گونه، نظام قضایی و کارکنانش، بزه کار محسوب می‌شوند. بر این اساس، با تلاش برخی از اساتید نیز، واحد بزه دیدگی ثانویه در مراکز دادگستری استان‌ها به وجود آمده است.

در خصوص مقررات حاکم بر فرایند کیفری ایران می‌توان گفت که قانون‌گذار در یک نگرش کلی حمایت از بزه دیده را پذیرفته و برخی از حملات‌ها به صورت مستقیم متوجه بزه دیده است و در برخی موارد بزه دیده به صورت غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفته است. ولی چنین نگرشی نیاز به تقویب و گسترش دارد. به عبارت دیگر حمایت از بزه دیدگان

نیازمند جایگاه ویژه و مستقل در تدوین برنامه های نظری و راهبردی سیاست جنائی است و لازمه آن پیش‌بینی طرح جامع حمایت از بزه دیدگان است. چنین طرحی باید زمینه حمایت مطلوب از کلیه بزه دیدگان را فراهم ساخته و با پیش‌بینی تدابیر حمایتی ویژه یا افتراقی در مورد بزه دیدگان خاص به یک سیاست جنائی بزه دیده‌مدار جامعه عمل بپوشاند. مقنن همواره در صدد حمایت از بزه دیده بوده است. برای نمونه تأسیس نهاد درخواست ترک محاکمه کیفری از اقداماتی است که هدف اصلی آن مشارکت دادن هر چه بیشتر بزه دیده در فرایند عدالت کیفری است و نشانگر آن است که دست اندرکاران نظام عدالت جنائی حمایت از بزه دیده را از رسالت های اصلی نظام عدالت جنائی می‌دانند و دغدغه تحقق هر چه بیشتر آن را دارند و در این راستا توجه افزون‌تر به ملاک های جهانی را در دستور کار خود دارند. نوآوری های قانونی در حمایت از کودکان و نوجوانان و زنان در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ از جمله اقداماتی است که در زمینه حمایت از بزه دیدگان در سطح سیاست جنائی تقنینی نمود پیدا کرده اند.

افزون بر اینها، بررسی جایگاه بزه دیده در فرایند کیفری ایران نمایانگر آن است که مقنن ضمن پذیرش اصول تضمین حقوق بزه دیده در مراحل مختلف فرایند، ملاک های حمایت از بزه دیده را در مراحل کلی مذکور پیش‌بینی کرده است. با توجه به وضعیت موجود الگوی مطلوب تدوین سیاست جنائی جامع در جهت حمایت از بزه دیده است. البته باید یادآور شد که بزه کار و بزه دیده به عنوان دو کنشگر اصلی جرم هستند و براساس اصل «تساوی سلاح ها» حمایت از بزه دیده نباید به حقوق مسلم و اصول بنیادی تضمین موقعیت متهم و بزه کار در فرایند کیفری خدشه ای وارد سازد و طرفین دعوا باید بتوانند فرصت مناسب برای دسترسی به عدالت را داشته باشند.

راهکارها

راهکارهای زیر برای دستیابی به این الگو می‌توانند راهگشا باشد:

ترسیم موقعیت حقوقی بزه دیده در کلیه مراحل فرایند کیفری و توجه به نیازهای او در طی فرایند و رفع این نیازها بر حسب تقدم و ضرورت. به عبارت دیگر، شناسایی نیازهای عمومی و نیازهای ویژه بزه دیدگان که رفع آنها در حمایت از بزه دیدگان ضروری است.

توجه به حقوق انسانی - اخلاقی بزه دیده در کنار حقوق عینی - مادی بزه دیده، زیرا او در مقام یک انسان علاوه بر خواسته ها و علایق مادی، دارای علایق و خواسته های معنوی نیز هست.

تقویت و تشویق اذهان عمومی جامعه و بزه دیده در مراجعه به دستگاه عدالت کیفری جهت اعلام جرم و وضعیت ناشی از ارتکاب جرم، زیرا جامعه محلی و کل جامعه باید در مسیر حمایت از بزه دیدگان گام بردارند و خود را در امر اطلاع از وضعیت بزه دیدگان و کمک‌رسانی به آنان مسئول بدانند. لذا باید این ذهنیت در اجتماع و دست اندرکاران نظام عدالت جنائی ایجاد شود که نخستین گام در حمایت از بزه دیده به رسمیت شناختن بزه دیده و آگاهی از بزه دیدگی اوست و بهترین اقدام مؤثر در این زمینه، تشویق بزه دیده در مراجعه به دستگاه عدالت کیفری و تضمین ساز و کارهای حمایتی است. در واقع، تشویق بزه دیده و ارائه خدمات و کمک‌رسانی به او به منزله دو روی سکه هستند که همواره باید در کنار هم قرار گیرند.

ساز و کارها

علاوه بر اینها، با توجه به مقررات دادرسی کیفری فعلی ایران، پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی زیر می‌تواند کارساز باشند:

۱. تدوین برنامه های راجع به مساعدت های پزشکی به حمایت پزشکی از بزه‌دیده: با توجه به اینکه در برخی از جرائم بزه‌دیده با آسیب های جسمی و روانی مواجه می‌شود، امدادهای پزشکی اولین گام حمایتی به حساب می‌آید. به همین دلیل، پیش‌بینی واحدهای پزشکی - قضائی به عنوان واحدهای خدمات درمانی وابسته به قوه قضائیه لازم ضروری به نظر می‌رسد.

۲. ایجاد مراکز مشاوره روان‌شناسی و مداخله در بحران عاطفی: هر بزه دیده ای ممکن است از لحاظ عاطفی دچار آسیب شود و درد و رنج ناشی از آن تا مدت ها بزه دیده را آزار دهد. عدم توجه به چنین آسیب هایی ممکن است به اختلالات روانی بینجامد و او را با صدمات بیشتری مواجه سازد.
۳. ایجاد فضاهای مناسب برای حضور بزه دیده و شهود وی در تأمین امنیت جسمی، روحی و عاطفی آنان در زمان حضور در دستگاه پلیس یا دستگاه قضائی. از آنجا که بزه دیده و شهود وی نباید رویاروی متهم یا اطرافیان او قرار گیرند و برای اینکه هویت شهود برای متهم و اطرافیان او معلوم نشود، اتاق های جداگانه ای برای حضور طرفین دعا و شهود و اطرافیان آنها می توان در نظر گرفت. همچنین، می توان جهت جلوگیری از تهدید و ارباب بزه دیده و شهود وی یا تهدید اطرافیان و خانواده آنها تدابیر تأمینی دیگری پیش بینی کرد. چنانچه بزه دیده یا شهود وی درخواست کمک کنند پلیس باید در سریع ترین زمان ممکن به یاری آنها بشتابد.
۴. پیش بینی سازوکارهای تسهیل تعیین وکیل یا وکلای مدافع: مقررات دادرسی کیفری حضور وکیل از جانب بزه دیده در کلیه مراحل فرایند کیفری را پذیرفته و برای داشتن وکیل محدودیتی قائل نشده است. اما در مواردی که بزه دیده توانایی مالی تعیین وکیل ندارد، دستگاه قضائی هیچ گونه مسئولیتی را در زمینه تقبل حق الوکاله نپذیرفته است. لذا تعیین وکیل در صورت درخواست بزه دیده و پرداخت حق الوکاله از ردیف بودجه دادگستری در صورت عدم تمکن مالی بزه دیده از اقدامات شایسته ای است که قانون گذار می تواند پیش بینی کند.
۵. معافیت بزه دیده از پرداخت هزینه های دادرسی و حذف رعایت تشریفات تقدیم دادخواست در این موارد.

منابع

۱. بابایی، محمدعلی. (۱۳۹۰). "بزهکاران پیشینه دار، از سرکوبی بزه کاران خطرناک تا مدیریت خطر ارتکاب جرم". مجله تحقیقات حقوقی، بهار، شماره ۵۳، صص ۱۸۳-۲۱۳.
۲. بیژنی میرزا، طیبه؛ شاملو، باقر. (۱۳۹۶). "دادرسی ترافیکی در پروتو بزه دیده شناسی اولیه در حقوق ایران و اسناد بین المللی". مجله: تحقیقات حقوقی آزاد، بهار، شماره ۳۵، صص ۱۲-۲۳.
۳. بیگی، جمال؛ یزدانی، حکیمه. (۱۳۹۷). "نقش بزه دیده بر مسئولیت بزهکار در قانون مجازات اسلامی از منظر آموزه های بزه دیده شناسی علمی". مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، بهار، شماره ۳۹، صص ۴-۱۳.
۴. پرادل، ژان، «تاریخ اندیشه های کیفری»، ترجمه علی حسینی نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۱) چاپ اول، انتشارات سمت، تهران
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش
۶. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ سیدزاده ثانی، سید مهدی؛ مالدار، محدثه؛ حسن زاده مشهدی، محمد. (۱۳۹۵). "تیب شناسی تطبیقی بزه دیدگی زنان افغانی و ایرانی ساکن مشهد فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، شماره ۲، تابستان، صص ۲۳۵-۲۵۴.
۷. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ شاهیده، فرهاد. (۱۳۹۳). "نقش زنان بزه دیده در ارتکاب جرایم جنسی (با تکیه بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران)". پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۴۳-۷۱.
۸. حسینی، سید حسین؛ موسوی بایگی، سید علی. (۱۳۹۲). "نحوه انعکاس آورده های بزه دیده شناسی در مجازات قصاص (رویکرد فقهی - حقوقی)". فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۵، زمستان، صص ۱-۲۴.
۹. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۳ ق). مبانی تکملة المنهاج، ج اول، بیروت: دار الزهرا.

۱۰. درویشی، بابک؛ جلیلیان، محمدرضا. (۱۳۹۴). "میانجی‌گری کارآمدترین روش جایگزین حل اختلاف برای تحقق عدالت ترمیمی". تحقیقات حقوقی آزاد، تابستان، شماره ۲۷، صص ۱۷۵-۲۰۷.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱). لغت‌نامه‌ی فارسی دهخدا، تهران: چاپخانه‌ی دانشگاه تهران.
۱۲. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). "موقعیت اطفال بزه‌کار- بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار، شماره ۲۵، صص ۳-۳۰.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). "بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنائی". مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان، شماره ۵۲ و ۵۳، صص ۸۵-۱۱۷.
۱۴. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، انتشارات دادگستر، چاپ اول.
۱۵. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). بزه‌دیده در فرایند کیفری، تهران، انتشارات خط سوم، چاپ اول.
۱۶. رسولی آذر، اصغر. (۱۳۹۰). "بزه‌دیده‌شناسی".
۱۷. زندر، لوسیا. (۱۳۹۳). بزه‌دیدگان، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، مندرج در دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، جلد ۲، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۸. زینالی، امیر حمزه؛ مقدسی، محمد باقر. (۱۳۹۱). "حق بزه‌دیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرایند کیفری". فصلنامه تحقیقات حقوقی، بهار، شماره ۵۷، صص ۲۲۷-۲۷۲.
۱۹. الستی، ساناز؛ حسن پور، معصومه. (۱۳۸۵). "بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی مجله دادرسی، خرداد و تیر، شماره ۵۶، صص ۲۴-۲۷.
۲۰. سماواتی پیروز، امیر. (۱۳۸۴). "ناتوانان بزه‌دیده؛ از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری". مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان، شماره ۵۲ و ۵۳، صص ۱۶۸-۱۱۹.
۲۱. شیروی، مهسا؛ رستمیان، حنظله. (۱۳۹۰). "بررسی نقش اراده در تحقق مسؤلیت کیفری در نظریات جرم‌شناختی و تأثیر آن بر مسؤلیت کیفری منحرفین جنسی". مجله: حقوق پزشکی، تابستان، شماره ۱۷، صص ۴۳-۸۴.
۲۲. شیروی، عباس. (۱۳۸۸). جلوه‌هایی از عدالت ترمیمی و حقوق اسلامی، منتشره در کتاب اندیشه‌هایی در حقوق اسلامی، به اهتمام سعید بیگدلی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۳. شیروی، عباس. (۱۳۹۷). "حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه‌ی اجرای آن". فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار، شماره ۸۱، صص ۷۷-۱۰۵.
۲۴. شیعه‌علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی. (۱۳۹۴). "جایگاه سیاست‌جنایی مشارکتی و اکتشسی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران". فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۴ و ۵، زمستان، صص ۲۷۸-۳۱۰.
۲۵. شیرازی، اکبر. (۱۳۹۲). «عدالت قضایی؛ درسی از تجربه و تاریخ»، تهران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز.
۲۶. صابر، محمد. (۱۳۸۸). «آیین تعقیب جنایات در دادسرای دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، ش ۲.
۲۷. صفاری، علی. (۱۳۸۲). "تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن". مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان، شماره ۳۸، صص ۲۵۹-۳۰۲.

۲۸. علیوردی نیا، اکبر؛ صالح نژاد، صالح. (۱۳۹۲). "کاربست های نظریه گزینش عقلانی در تبیین جرایم و ارائه دلالت های سیاستی برای پیشگیری از جرم". مجله کارآگاه، دوره دوم، سال هفتم، زمستان، شماره ۲۵، صص ۹-۲۶.
۲۹. غلامی، حسین؛ رستمی غازانی، امید. (۱۳۹۴). زمینه های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی. فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، تابستان، شماره ۲۷، صص ۲۰۵-۱۷۳.
۳۰. غلامی، حسین. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۳۱. غلامی، حسین. (۱۳۹۰). عدالت ترمیمی، چاپ دوم، سمت.
۳۲. قاسمی، محمد علی؛ مقدم فرد، محمد. (۱۳۹۶). "بررسی حق سکوت متهم در آیین دادرسی کیفری از منظر «بزه دیده شناسی»". فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، بهار، دوره سوم - شماره ۱/۳، صص ۷۵-۹۲.
۳۳. قمی اوپلی، الهام (۱۳۹۷). "جایگاه مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه قانون یار، تابستان، شماره ۶، صص ۵۰۱-۵۱۳.
۳۴. لازرژ، کریستین. (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان
۳۵. موسوی، سید محمدجواد. (۱۳۹۰). نقش مدیریت شهری در کنترل آثـار اجتماعی شهر عسلویه. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت شهری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
۳۶. ناصری پشت دربندی، شهاب الدین. (۱۳۹۷). "بزه دیده و انواع آن در سیاست جنایی ایران".
۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). عدالت ترمیمی در اسناد سازمان ملل متحد، دیپاچه بر کتاب: جرم، بزه دیدگان و عدالت.
۳۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی، دیپاچه در: پرادل، ژان: تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
۳۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۴). سیاست جنایی سازمان ملل متحد. نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸.
۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). تقریرات درس جرم شناسی (پیشگیری)، دوره کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم، به کوشش مهدی سیدزاده، نیم سال دوم سال
۴۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). عدالت ترمیمی در اسناد سازمان ملل متحد {دیپاچه در} هنریک کاپتین- مارک مالچ نیکل؛ جرم، بزه دیدگان و عدالت، ترجمه امیر سعاواتی پیروز، تهران، انتشارات خلیلیان، چاپ اول.